

# اقتراحات و انتقادات

بقلم آقای الله یار صالح  
وزیر سابق دارائی و دادگستری

## مقصود از عدالت اجتماعی چیست؟

مدیر محترم مجله آینده سوال مینمایند: «عدالت اجتماعی را چگونه ممکن است در ایران برقرار نمود؟»

بعقیده من بهتر بود اول توضیح میدادند مقصود از عدالت اجتماعی چیست؟ تا بعد راجع بطریقه برقرار نمودن آن در ایران صحبت شود حتی شاید مقتضی بود موضوع «اقتراح» را (که ضمناً کامه بسیار سنگینی بنظر میآید) از همین جا شروع میکردند.

در هر صورت - وقتی این روزها از عدالت اجتماعی صحبت میشود بر خلاف آنچه یکی از دوستان گفته مقصود تنها دادگستری و امنیت قضائی نیست (که البته باید در هر کشوری برای عموم علی السویه فراهم باشد) بلکه توجه بیشتر بجنبشی است که (بخصوص بعد از پیدایش و استعلاک حکومت سوسیالیست شوروی) در تمام دنیا شروع شده و طبقه کارگر (یعنی هر کس که کار میکند) پی بحق خود برده و از کار فرما (اعم از دولت یا صاحبان ثروت‌های شخصی) میخواهد که حق او را بدهند. این طبقه از مردم یعنی قسمت اعظم از جمعیت جهان میکوبند: حالا دیگر فهمیدیم که خداوند ما را برای تمتع و استفاده شما کار فرمایان خلق نکرده بلکه او بهمان نظر مرحمت بمان نگاه میکند که بشما! و او هیچوقت راضی نیست که نتیجه زحمت ما فقط عاید شما بشود و خود ما بفر و فلاکت بمیریم! او راضی نیست که ما تابستانها زیر آفتاب سوزان خانه بسازیم و تحویل شما بدهیم و خود ما زمستانها توی کوچه بخوابیم! یا در هوای مسموم معادن و کارخانجات روزی ده ساعت کار کنیم و اتومبیل

بسازیم و بدهیم آقا زاده های شما سوار شوند و با سرعت هشتاد کیلومتر از جلو ما عبور کنند و گرد خاک بچشمهای تراخمی ما بپاشند! یایار چه بیافیم و بدهیم شما بهر قیمت دلتان میخواهد بفروشید و خود ما غروب آفتاب نخت و عوراز کارخانه های پارچه بافی خارج شویم و بگوئیم خدا را شکر که امروز لقمه نانی گیرمان آمد!

خیر! دیگر صحبت از لقمه نان نیست و کارگر دنیای جدید ملتفت

شده او هم حقی دارد که بیش از سد جوع است.

او هم باید (خودش وزن و بچه هایش) غذای سیر بخورند، منزل داشته باشند، تنشان را با صابون و آب گرم بشویند، لباس گرم بپوشند مدرسه بروند روزهای تعطیل و تفریح داشته باشند، اگر مریض شدند از آنها معالجه بشود، اگر از کار افتادند از آنها (مثل زمانی که کار میگردند) توجه بشود! حالا ملاحظه فرمودید که قضیه خیلی ساده نیست. آن میلیونها نوع بشر که راحتی من و شما را فراهم میکنند بیدار شده اند! آنها پی برده اند باینکه راحتی مخصوص من و شما نیست و این شما و من هستیم که در مقابل رنج و زحمت آنها بیک وظیفه داریم و آن وظیفه اینست که باید بیک حداقلی را برای راحتی آنها و زن و فرزندانشان فراهم کنیم! و آن حداقل تنها بیک لقمه نان برای سد جوع نیست!

آن حد اقل شکم سیر، بهداشت، منزل، لباس گرم، مدرسه و تفریح است که نه فقط در زمان توانائی باید برایشان فراهم شود بلکه این حد اقل برای زمان ناتوانی و پیری آنها هم باید تامین گردد. و هر جا این حداقل تامین گردید میگویند در آنجا عدالت اجتماعی حکم فرما شده است.

اکنون میتوانیم برویم سر این صحبت که عدالت اجتماعی را چگونه

میتوان در ایران برقرار نمود؟ ...

## پاسخ اداره بآقای صالح در معنی عدالت اجتماعی

آقای صالح میفرمایند بهتر بود اول توضیح میدادیم مقصود از عدالت اجتماعی چه می باشد بلکه اقتراح از همین جا شروع میکردیم؛ یعنی اول سؤال مینمودیم عدالت اجتماعی چیست؟ بجای اینکه پیرسیم چگونه آنرا باید در ایران برقرار نمود؟ تصور نمیکردم که مفهوم آن بر ارباب حل و عقد پوشیده باشد و ناچار باشم معنی کردن آنرا مورد اقتراح قرار دهم اگر هم لازم بود با مختصر شرحی که در صفحه ۶۸، چنان که نگاشتیم و آید، مقصود ما تا حدی روشن میگردد: «در جامعه ایران، همچنانکه در خیلی از جمعیتهای بشری، نا همواری زیاد دیده میشود - این نیاید همی برنج پلاس - وان نپوشد همی زناز پرند - ولی باید این نا همواریها راصاف نمود ۰۰۰» ضمناً تصدیق داریم که اگر بعضی از خواص معنی و مفهوم این دو کلمه را میدانند عامه بی اطلاعند و از «عدالت اجتماعی» تعمیم «عدالت قضائی» یا «عدالت عمومی» را میفهمند، و مقصود ما از این ترکیبهای تازه مساوات در برابر قانون و محاکم با عادل بودن قره قضائیه و اجرائیه است. البته عدالت اجتماعی چیز دیگریست. منظور ما از آن اینست که در زندگانی مردم که نا همواری از حیث معاش و چیزهای وابسته بدان بسیار است طرازای حاصل شود، یا بقول مسعود سعد سلمان که در بالا نقل کردیم چنان نباشد که یکی با رنج و کوشش پلاس و حصیری نیابد دیگری از فرط ناز و نعمت پرند و حریر نپوشد.

اما اگر معنی «عدالت اجتماعی» نه تنها بر عوام بکله بر خواص ایران هم تا حدی پوشیده است برای این می باشد که هر ملت هر چه دارد برای آن نام میگنارد، چنانکه عرب شتر زیاد دارد اسمهای بی شمار برای آن حیوان وضع کرده است، اما فرنگیها يك نام

بیشتر بر شتر نهاده اند و آنهم گویا در اصل مقتبس از عرب است . . . .  
چون در ایران عدالت اجتماعی وجود نداشته و کمتر هم ب فکر  
آن بوده اند معنی آنرا اگر ندانند عجب نیست .

بهر حال از توضیحی که آقای صالح داده اند متشکریم و امید  
واریم نویسندگان آتیه موضوع ( چگونه عدالت اجتماعی را باید در ایران  
برقرار نمود ؟ ) هدایت کند که از حدود پرشش ما خارج نشوند تا  
از اقتراح نتیجه مطلوب بگیریم . بگره پیرامون اینکه « عدالت اجتماعی »  
چیست بقدر کافی نویسندگان محترم توضیح داده اند . اینک منتظریم  
نگارندگان پرشش ما پاسخ روشن و صریح بدهند که « چگونه باید آن  
را در ایران برقرار نمود . »

اما اینکه آقای صالح کلمه « اقتراح » را نیز بسیار سنگین یافته  
اند . . . در هر حال این لفظ اصطلاح شده و کاش ایشان کلمه بهتری بجای  
آن پیشنهاد فرموده بودند تا ما آنرا هم اقتراح کرده ، قریحه  
هوشمندان را بکار انداخته و عقاید خوانندگان را بدست میآوردیم .  
حال هم این خواهش را از ایشان داریم .

در خاتمه سه شعر از نظامی که در « حد عدالت » سروده است  
نقل می‌کنیم و از خوانندگان ممنون میشویم اگر اشعاری راجع به  
« عدالت اجتماعی » از گذشته سراغ داشته باشند برای ما بفرستند .

دکتر افشار

## حد عدالت

هو لیرک خوانده ام کاند ر دیاری  
رسیدند از قضا بر چشمه ساری  
یکی کم خورد کان جان میگزاید  
یکی بر خورد کان جان میفزاید  
چو بر حد عدالت ره نبردند  
ز محرومی و سیری هر دو مردند

نظامی